

شرق

روزنامه

تعدد کامیون‌های ترانزیت به مقصد مرز بین‌المللی باشماق باعث تخریب آسفالت‌های سطح شهر می‌شود. عکس: دانا خورمهر، باشگاه خبرنگاران جوان



زمین سبز

فصل عاشقی مرال‌ها

مراقب باشیم سُرنا را از سرگشادش زنیم

حضور گردشگران در این تورها تدوین نشده، فعالیت‌هایی از این دست مانند اردوزدن، جمع‌آوری چوب برای آتش، اسب‌سواری، استفاده از خودرو و موتورهای آف‌رود، پیاده‌روی و کوهنوردی، تماشای حیات وحش و عکاسی از طبیعت و... باعث آسیب‌رسیدن به زیستگاه و حیات وحش به‌ویژه در فصل گاوپانگی می‌شود.

پس اینکه بگویند ما هیچ آسیبی به طبیعت نمی‌رسانیم و فقط می‌خواهیم در طبیعت پیاده‌روی کنیم و از شنیدن صدای مرال در فصل گاوپانگ لذت ببریم، یک حرف نادرست است، چون قطعا حضور انسان در طبیعت تبعات منفی دارد.

گردشگری حیات وحش- Wildlife Tour-) (Wildlife Tour، یکی از شاخه‌های گردشگری است که در دنیا طیف‌های بسیار گسترده‌ای داشته و اهداف بسیار زیادی را دنبال می‌کند. سفرکردن برای دیدن حیوانات و آشنایی بیشتر با حیات وحش منطقه‌ای خاص، عکس‌برداری از حیوانات مختلف و هر چیزی که به سفر در راستای بررسی حیات وحش از هر لحاظ مربوط شود، همه در راستای گردشگری حیات وحش قرار می‌گیرد که این

تَب چند سالی است در کشور ما به‌صورت فراگیر در بین علاقه‌مندان محیط زیست به وجود آمده است.

گردشگری با وجود تأثیرات مثبت خود، قطعا

آثار منفی هم در پی خواهد داشت. سال گذشته که برای بازدید از چند چادر تور گاوپانگی به یکی از مناطق رفته بودم، صحنه‌هایی دیدم که باعث می‌شد آرامش حیات وحش در فصلی که نیاز به سکوت و آرامش دارد به مخاطره بیفتد؛ از تقلید و پخش صدای ضبط‌شده این گونه با اسپیکر و دوره‌می‌های پرسروصدا در کنار آتش تا تردد بیش از حد خودرو

برسانید. درحال‌حاضر با تبلیغات گسترده در فضای مجازی برای حضور تورهای گردشگری گاوپانگی در کشور مواجه هستیم و این حضور بی‌ضابطه می‌تواند آسیب زیادی به مرال، این گونه باشکوه جنگل‌های هیرکانی بزند که این مصداق مثال قدیمی «دوستی خاله خرسه است». امیدوارم روزی بتوانیم با کمک گردشگری ضابطه‌مند در زمینه حیات وحش، گونه‌های زیبا و اندمیک این مرز و بوم را حفظ کنیم، هرچند درحال‌حاضر صدای ناوختن سُرنا از سر گشادش می‌آید.



احمد دباغیان

همه‌ساله، از نیمه شهریور تا پایان مهر، فصل جفت‌گیری گوزن قرمز یا مرال است. گوزن‌های نر در این دوره، برای تعیین قلمرو و جفت‌یابی اقدام به سردادن صداهایی رسا می‌کنند. از آنجایی‌که این صداها بسیار شبیه صدای گاو اهلی است، این دوره به دوره گاوپانگی مشهور شده است و بومیان شمال ایران به‌ویژه در گلستان و مازندران، این گونه را گاو نیز خطاب می‌کنند. دوره گاوپانگی یکی از پرمخاطره‌ترین زمان‌های زندگی گوزن‌هاست. مرال‌ها حیوانات بسیار مخفی‌کاری هستند و در سایر مواقع سال در پوشش جنگلی خود را استتار می‌کنند ولی در این فصل به علت سردادن صدا به‌راحتی می‌توان آنها را پیدا و شکار کرد.

همچنین شکارچی‌ها در این دوره با تقلید صدای گوزن نر آنها را تحریک کرده و به سوی خود می‌کشاند و به‌راحتی آنها را شکار می‌کنند. به همین دلیل تشدید و تقویت حفاظت در این دوره بسیار مهم است. یکی از راه‌های کم‌کردن این تهدید، حضور مستمر محیط‌بانان در منطقه در این بازه زمانی است.

جداال مرال‌های نر بر سر تصاحب ماده‌ها با «گاوپانگ» همراه است و در بعضی موارد این جدال به زخمی‌شدن نرها منجر می‌شود. مرال، از گونه‌های مورد حمایت در حیات وحش است که جمعیت آن نسبت به سال‌های گذشته به دلیل شکار غیرمجاز کاهش یافته است.

جنگل‌های هیرکانی مهم‌ترین زیستگاه مرال‌ها در ایران است که پارک ملی گلستان، منطقه حفاظت‌شده

جهان‌نما در استان گلستان، منطقه گلستانک، پارک ملی پابند و دودانگه در مازندران از اصلی‌ترین زیستگاه‌های گوزن قرمز در ایران هستند.

تبدیل تهدید به فرصت برای حفاظت با حضور دانشجویان رشته محیط زیست، طبیعت‌گردان علاقه‌مند و همیاران محیط زیست یا رعایت پروتکل‌های حفاظتی می‌تواند بخشی از مسئولیت اجتماعی این افراد در قبال محیط زیست و طبیعت را با این فعالیت ادا کند؛ اما چون سازوکار مناسبی برای تورگردانان و همچنین دستورالعملی برای

www.sharghdaily.ir

سه‌شنبه ۳۰ شهریور ۱۴۰۰
۱۴ صفر ۱۴۴۳ - ۲۱ سپتامبر ۲۰۲۱
سال نوزدهم • شماره ۴۱۰۲ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۲:۵۷ • اذان مغرب ۱۹:۲۱
اذان صبح فردا ۴:۲۸ • طلوع آفتاب ۵:۵۲

فardashargh@gmail.com

روزنامه‌نروا

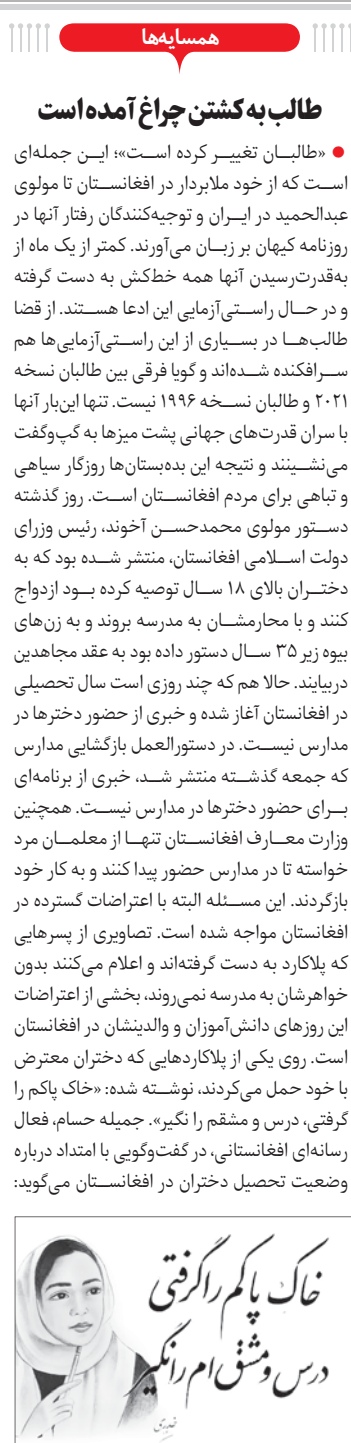
دغدغه‌های طبییانه

چرا دانشگاه‌های ما تا این اندازه خشک و سترون هستند؟



عبدالرضا ناصر مقدسی
متخصص مغز و اعصاب

یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های من، شرایط سیستم آموزشی در کشور ماست. از آنجا که من مدرس دانشگاه هستم، بی‌شک بیشتر در مورد شرایط دانشگاه و به‌ویژه سیستم آموزش پزشکی می‌اندیشم و مشکلات آن را مدنظر دارم. اما آنچه در اینجا گفته می‌شود درباره تمام جنبه‌های سیستم آموزشی ما صدق می‌کند. بر کسی هم پوشیده نیست که آموزش در سیستم‌های ابتدایی و به‌طور کلی دبستانی از اهمیت بسیار بیشتری برخوردار است. به اینها باید آموزش در خانواده را هم اضافه کرد. اینکه مردم ما نمی‌توانند به‌درستی با مشکلات روبه‌رو شده و راه‌حلی برای آنها بیابند، از ضعف آموزشی در خانواده ناشی می‌شود. درد دل در این موارد بسیار است و باید کارشناسان امر درباره آن بنویسند. چند روز پیش فیلمی قدیمی را دیدم که البته فیلمی معمایی و جنایی بود که در یکی از بهترین دانشگاه‌های دنیا یعنی آکسفورد اتفاق می‌افتاد. فیلم «قتل‌های آکسفورد» محصول سال ۲۰۰۸ که یکی از بهترین فیلم‌ها در ژانر مربوطه محسوب می‌شود و به‌ویژه کسانی که به ریاضی علاقه‌مند هستند، از دیدن این فیلم لذت می‌برند. اما به غیر از موضوع و روند اصلی فیلم چند موضوع جانبی به‌شدت نظر من را به خود مشغول کرد. موضوعاتی که لازم دیدم در مورد آنها بنویسم. دانشگاه‌های ما فاقد هرگونه معنا برای دانشجویان‌مان هستند. آنها به دانشگاه نمی‌آیند تا جهان‌بینی خود را عوض کنند. آنها به دانشگاه می‌آیند چون راه دیگری ندارند. حتی در خیلی از رشته‌ها هیچ امیدی هم به بازار کار خود ندارند. مدت‌هاست دانشگاه‌های ما ربطی به صنعت و فناوری نداشته و نمی‌توانند بر اساس نیازهای روز جامعه، دانشجویان را پرورش دهند. در فیلم «قتل‌های آکسفورد» دانشجویی به آکسفورد می‌آید تا زیر نظر استادی خاص تر خود



همسایه‌ها

طالب به‌گشتن چراغ آمده‌است

• «طالبان تغییر کرده است»، این جمله‌ای است که از خود ملابردار در افغانستان تا مولوی عبدالحمید در ایران و توجیه‌کنندگان رفتار آنها در روزنامه کیهان بر زبان می‌آورند. کمتر از یک ماه از به‌قدرت‌رسیدن آنها همه خط‌کش به دست گرفته و در حال راستی‌آزمایی این ادعا هستند. از قضا طالب‌ها در بسیاری از این راستی‌آزمایی‌ها هم سرافکنده شده‌اند و گویا فرقی بین طالبان نسخه ۲۰۲۱ و طالبان نسخه ۱۹۹۶ نیست. تنها این‌بار آنها با سران قدرت‌های جهانی پشت میزها به‌گپ‌وگفت می‌نشینند و نتیجه این بده‌بستان‌ها روزگار سیاهی و تباهی برای مردم افغانستان است. روز گذشته دستور مولوی محمدحسن آخوند، رئیس وزرای دولت اسلامی افغانستان، منتشر شده بود که به دختران بالای ۱۸ سال توصیه کرده بود ازدواج کنند و با محارمشان به مدرسه بروند و به زن‌های بیوه زیر ۳۵ سال دستور داده بود به عقد مجاهدین دربیایند. حالا هم که چند روزی است سال تحصیلی در افغانستان آغاز شده و خبری از حضور دخترها در مدارس نیست. در دستورالعمل بازگشایی مدارس که جمعه گذشته منتشر شد، خبری از برنامه‌ای برای حضور دخترها در مدارس نیست. همچنین وزارت معارف افغانستان تنها از معلمان مرد خواسته تا در مدارس حضور پیدا کنند و به کار خود بازگردند. این مسئله البته با اعتراضات گسترده در افغانستان مواجه شده است. تصاویری از پسرهایی که پلاکارده به دست گرفته‌اند و اعلام می‌کنند بدون خواهرشان به مدرسه نمی‌روند، بخشی از اعتراضات این روزهای دانش‌آموزان و والدینشان در افغانستان است. روی یکی از پلاکاردهایی که دختران معترض با خود حمل می‌کردند، نوشته شده: «خاک پاکم را گرفتی، درس و مشقم را نکیر». جمله حسام، فعال رسانه‌ای افغانستانی، در گفت‌وگویی با امتداد درباره وضعیت تحصیل دختران در افغانستان می‌گوید:



«امروز شاهد بدترین وضعیت دو دختر جوانم هستم و بدترین روزهای زندگی‌ام را سپری می‌کنم. در دو ماه گذشته، من از وظیفه و کار خودم در رسانه برکنار شده بودم و حالا هم متأسفانه دو دخترم که امیدشان برای ساخت آینده به مکتبشان بود، اجازه رفتن به محل تحصیل را پیدا نکرده‌اند. خیلی‌ها نگران آینده و وضعیت خود هستند. ما در گروهی که با خانم‌های افغانستانی داریم، همه امکانات (استفاده از وسایل تکنولوژی، تلویزیون و موبایل) در خانه در اختیارمان بوده، اما آنها هیچ علاقه‌مندی به آن امکانات ندارند؛ چراکه آنها فقط علاقه دارند دوباره به مدرسه و درس خود برگردند. متأسفانه من هم هیچ جواب منطقی و قانع‌کننده‌ای ندارم که به آنها بدهم». یونسکو هم به این رویداد واکنش نشان داد و خواستار بازگشایی تمامی مدارس افغانستان، هم پسرانه و هم دخترانه شد. یونسکو هشدار داد در صورت منع دختران از رفتن به مدرسه عواقب جبران‌ناپذیری برای نیمی از جمعیت افغانستان پدید خواهد آمد. یونسکو تأکید کرد در صورتی‌که دختران افغانستان از تحصیل منع شوند، یکی از حقوق بنیادین آنها که حق تحصیل است، نقض شده است. ادره آژوله، مدیرکل یونسکو گفت: «آینده افغانستان به آموزش دختران و همچنین پسران این کشور بستگی دارد». یونسف اعلام کرد باید از همه معلم‌های زن نیز مانند مردان خواسته شود تدریس را از سر بگیرند. طالبان در دوران چهارساله حکومتشان بین سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۰ یکی از زن‌ستیزترین دولت‌های دنیا بود. آنها زنان را از حضور در معابر عمومی منع کرده بودند و تحصیل برای آنان ممنوع بود. نگاهی که هم‌اکنون نیز به زنان دارند و آنها را تنها به‌عنوان برده تعریف می‌کنند. ۲۰ سال بعد از آن سال‌های سیاه و درحالی‌که طالب‌ها پشت پرده بسیاری از عملیات‌های تروریستی در مدارس و دانشگاه‌ها به‌ویژه مدارس دخترانه بودند، حالا در هیئت یک دولت و با قوانین رسمی به جنگ زنان آمده‌اند. آنها آمدن‌اند تا چراغ دانش و آگاهی را در افغانستان بکشند.

روزها

زمانی برای ۸ سال دفاع مقدس



فردا سالروز حمله عراق به ایران است؛ جنگی که در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ آغاز شد و هزاران شهید، جانباز، اسیر و ازبین‌رفتن شهرها و خانه‌های بسیاری را به دنبال داشت. هشت سال جنگ، حتی از جنگ‌های جهانی نیز بیشتر است و چه کسی می‌تواند در سخت‌بودن این دوران شک کند. چه کسی می‌تواند فراموش کند که جنگ با خود چه مضامنی را به دنبال می‌آورد؟ چگونه می‌تواند زیبایی‌ها و مهربانی‌ها را نابود کند؟ هر آن چیزی را که در دسترس و امر عادی است، تبدیل به یک آرزو و اتفاق دست‌نیافتنی

می‌شد در تک‌تک ارکان و بخش‌های زندگی کشف کرد و دید. همان کودکی که ممداد و پاک‌کنش را با بغل‌دستی جنگ‌زده‌اش نصف می‌کرد یا آن دیگری که حواسش بود میزبان خوبی برای فامیل جنگ‌زده‌اش باشد. گوشه کوچکی از این خون مصیبت برمی‌داشتند. هنرمندان، سرایال‌سازان، برنامه‌سازان تلویزیون، نویسندگان و... همه به شکلی دفاع مقدس را در آثار خود ماندگار کردند. اما سؤال این است که نسل کنونی، ۱۵-۱۸ساله‌های کنونی، چقدر از این هشت سال می‌دانند؟ همان پدر و مادرهایی که در این سن بودند و به جبهه رفتند یا زیر موشک باران ماندند و حالا فرزندانشان همسن آن موقع الان است. چقدر از آن دوران خاطره تعریف می‌کنند؟ چقدر اصلا برایشان جالب است که بگویند و فرزندان‌شان از این تجربه بشنوند؟ اصلا لازم است که این خاطرات را برای نسل جدید بازگو کرد؟ اصلا چگونه و با چه رویکردی باید خاطرات دفاع مقدس را بازگو کرد؟ وقتی خاطرات آن روزهای پرشکان را مرور می‌کنیم، کمبود دارو و امکانات بهداشتی در کنار توانایی و ازخودگذشتگی پزشکان رنگ می‌گیرد. مردان جهادگر با کمترین امکانات هم سنگرمی‌ساختند و هم مایحتاج جنگی را تعمیر و فراهم می‌کردند. چرخ کارخانه‌ها با فداکاری می‌چرخید. فداکاری را می‌آید و فراموش می‌شود.

اتفاق



بی‌بی‌سی: تدریس ادهانوم قبریسوس، رئیس سازمان جهانی بهداشت، وارد کابل پایتخت افغانستان شده است. انتظار می‌رود او در آنجا درباره بحران بودجه مراقبت‌های بهداشتی صحبت کند که بحران عمومی را تشدید کرده است. منابع طالبان گفته‌اند او با محمدحسن آخوند، سرپرست نخست‌وزیری دولت طالبان، دیدار خواهد کرد.



اسپوتنیک: ایلان ماسک در پاسخ به پرسشی درباره مأموریت «اینسپیریشن۴» که به‌تازگی انجام شده است، پاسخی کنایه‌آمیز داد. ماسک، مدیرعامل شرکت اسپیس‌ایکس، پس از این پرواز با کنایه به عادت خوابیدن جو بایدن در پاسخ به این سؤال که چرا بایدن هنوز این موفقیت را به او تبریک نگفته است، گفت: «او هنوز خواب است.»



الشرق: نورالدین بدوی، نخست‌وزیر سابق الجزایر، بابت پرونده موافقت با معاملات و قبول قراردادهایی که شروط لازم و قانونی ندارند و نیز تصاحب املاک و انتقال غیرقانونی پول آنها تحت پیگرد است. بدوی ابتدا استاندار استان قسنطنیه بوده و ماه مارس ۲۰۱۹ به‌عنوان وزیر کشور و دسامبر همین سال به‌عنوان نخست‌وزیر الجزایر تعیین شد.



هالیوود ریپورتر: برندگان مراسم امی اعلام شد و سریال «تاج» بیشترین جایزه‌ها را از آن خود کرد. این سریال به زندگی ملکه الیزابت می‌پردازد و گویا سال درخشانی را پشت سر گذاشته است. الیویا کلمن که نقش ملکه را در میان‌سالگی بازی می‌کند، یکی از برنده‌هاست. «تاج» همه جوایز بخش اصلی را از آن خود کرد.



یورنیوز: جنازه تحت تعقیب‌ترین جنگجویان اسلام‌گرای اندونزی از جنگل به بیمارستان منتقل شد. پلیس اعلام کرد: «علی کالورا، تحت تعقیب‌ترین مجاهد اندونزی و رئیس شبکه «مجاهدین اندونزی شرقی» در جنگل‌های جزیره سلبیر همراه با عضو دیگری گروه به نام «جاکا رمضان» به قتل رسیده است». آنها از گروه‌های بیعت‌کرده با داعش بودند.



بی‌بی‌سی: مانی پاکیاو، قهرمان بوکس فیلیپین، در انتخابات ریاست‌جمهوری این کشور نامزد می‌شود. این انتخابات قرار است سال آینده برگزار شود. این قهرمان بوکس که ۴۲ساله است، از سوی حزب حاکم معرفی شده و در پارلمان این کشور سناتور است. اگر حزب حاکم در فیلیپین برنده شود رئیس‌جمهور فعلی معاون او خواهد شد.